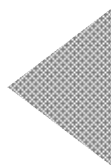


رویکرد تحلیلی و انتقادی بر نقش مدیریت، برنامه‌ریزی و طراحی شهری در تحقق نظریه شهر خلاق



آزاده جلالی^۱

محمد رضا پورجعفر^۲

(تاریخ دریافت ۹۵/۲/۱ - تاریخ تصویب ۹۵/۶/۱۵)

چکیده

جهانی شدن حرکت تمام جوامع به سوی جهانی وحدت یافته است که در آن همه چیز در سطح جهانی مطرح و نگریسته می‌شود. هاروی جهانی شدن را فشردگی مکان و زمان می‌پندارد و گیدنز آن را شدت یافتن روابط اجتماعی در سطح جهانی. به نظر رابرتسون مردم جهانی می‌اندیشند و محلی عمل می‌کنند. این پدیده منجر به رقابت میان شهرها شده است و هر شهری تلاش می‌کند تا از طریق خلاقیت از مزیت رقابتی جهت تبدیل شدن به شهری خلاق بهره بگیرد. از طرفی شهرها محل پیوند نیروهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی بوده، بنابراین تلاش کلیه ارکان یک شهر جهت دستیابی به هدف مذکور امری مهم می‌باشد. لذا هدف این مقاله بررسی و نقد نقش مدیر شهر، برنامه‌ریز شهر و طراح شهر به عنوان سه رکن اصلی شهر در تجلی یافتن مفهوم و نظریه‌های مرتبط با خلاقیت در شهر و شهر خلاق می‌باشد. روش پژوهش حاضر تحلیلی-اسنادی می‌باشد که پس از بررسی ادبیات مورد نظر، مهم‌ترین نکات مورد توجه

۱- کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، azadeh.jalali@modares.ac.ir
۲- استاد گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) pourja_m@modares.ac.ir

آراء نظریه‌پردازان و منتقدین در این زمینه استخراج و سپس مفاهیم در سه سطح کلان، میانی و خرد دسته‌بندی می‌شود و جایگاه مدیریت شهری، برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری مورد نقد قرار می‌گیرد. در انتها نتیجه گرفته می‌شود که در سطح خرد به منظور طراحی‌های محلی و شکل‌گیری فضاهای موفق شهری، طراح شهر نقش به‌سزایی دارد، اما این امر زمانی محقق می‌شود که سیاست‌ها و راهبردهای مناسب توسط مدیران شهر و برنامه‌ریزان شهری اندیشیده شده باشد.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، شهر خلاق، مدیریت شهری، برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری.

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

جهان امروز شاهد جهشی بلند به سوی زندگی هرچه بهتر و با کیفیت‌تر است و تلاش برای ارتقای کیفیت زندگی، دغدغه اصلی این جریان می‌باشد. در این راه توجه به شهرها به عنوان مراکزی که گرداننده اصلی این جریان هستند، از اهمیت بسیاری برخوردار است. از طرفی دیدگاه و نظریه شهر خلاق، پاسخی است به تغییرات در شهرها به ویژه تحولات اجتماعی که خود وابسته به پدیده جهانی شدن است. در این شهرها تلاش بر آن است که در مسائل اجتماعی و اقتصادی بر فرهنگ محلی و بین‌المللی، به عنوان پاسخی به امر جهانی شدن، تمرکز شود. مفهوم جهانی شدن، به استقبال یک جهان رفتن، آشنا شدن با فرهنگ‌های دیگران است. واترز معتقد است: جهانی شدن فرآیند اجتماعی است که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند (واترز، ۱۹۹۵، به نقل از زیاری، ۱۳۸۸: ۳۸). هاروی (۱۹۹۵) جهانی شدن را اصطلاحی برای توصیف آنچه انقباض زمان و مکان نام گرفته است و رابرتسون و حق‌خندکر (۱۹۸۹)، آن را فشردگی تمام جهان و افزایش سریع در خودآگاهی جهان می‌دانند (قاسمی، ۱۳۹۰: ۸). در واقع وجه تمایز نظریه رابرتسون از تأکید وی بر آگاهی ناشی می‌شود. به نظر او صرف وابستگی متقابل و در هم تنیدگی جهانی برای واقعیت یافتن جهانی شدن کافی

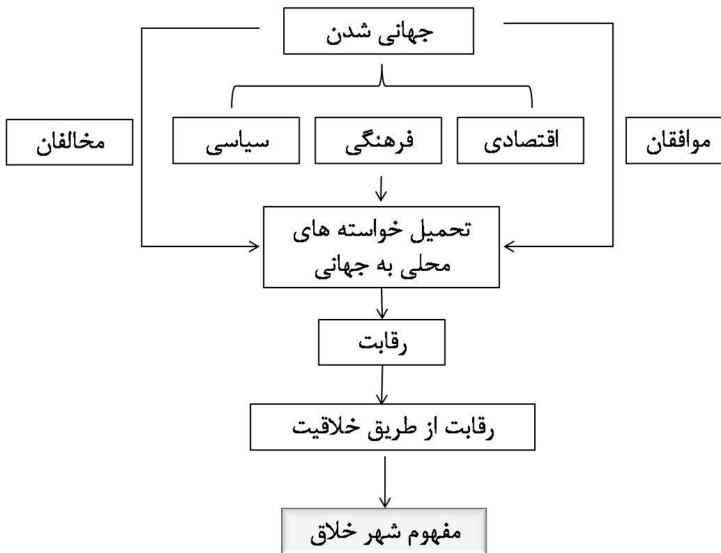
نیست، بلکه انسان‌ها هم باید از امر جهانی و تعلق به جهانی واحد آگاهی داشته باشند. به طور کلی‌تر می‌توان بیان کرد که جهانی شدن عبارت است از فرآیند فشرده‌گی فزاینده زمان و فضا که به واسطه آن مردم دنیا کم و بیش و به صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۲۰). انقباض زمان و مکانی که هاروی از آن نام می‌برد و یا فشرده‌گی و افزایش خودآگاهی جهانی که رابرتسون و خندگر بیان می‌دارند، ما را به مفهوم محو شدن حس تک بعدی مکان و کمرنگی حس یک جهتی زمان در جهان می‌رساند. از نمود این امر، می‌توان به کم شدن فاصله‌ها به وسیله تکنولوژی اطلاعاتی اشاره کرد که ما را به این مفهوم نزدیک می‌کند که در زمانه ما "جغرافی، تاریخ است" (قاسمی، ۱۳۹۰: ۸).

در ارتباط با پدیده جهانی شدن دو دیدگاه متفاوت وجود دارد: نمونه مخالفان، عقیده کارن کارس است که معتقد است نتیجه این مرگ فاصله، آن است که شهر، خیابان‌ها، میداين، مغازه‌ها و رستوران‌ها، جای خود را به شهر بایت‌ها، شهری مجازی با الگویی از خیابان متشکل از بزرگراه‌های اطلاعات دیجیتال می‌دهند (Cairncross, 1997)، به نقل از Hospers, 2003). دیگر نویسندگانی که کمتر بدین هستند گرایش جهانی شدن را یک فرصت استثنایی برای شهرها می‌دانند (به عنوان مثال، Hall 1998; Sassen 2000) بر این عقیده‌اند که برای توسعه دانش جدید و دستیابی به نوآوری‌ها، رابطه رو در رو بین مردم هنوز امری ضروری بوده و در واقع عقاید جدید و راه حل‌های ابتکاری، از طریق ارتباطات قوی و مبادله دانش و اطلاعات با دیگران حاصل می‌شود.

با کمی میانه‌روی، می‌توان ادعا نمود که بین شهرها و فرآیند جهانی شدن، پارادوکس به اصطلاح جهانی-محلی وجود دارد. در جهانی که روز به روز بیشتر ادغام می‌شود، شهرها باید به ویژگی‌های منحصر به فرد مکانی و فضایی خویش، بیش از پیش متکی باشند. در اصل خصلت‌های مکان پایه برای یک شهر مشخص می‌کند که چگونه بر دیگران پیشی بگیرد و در رقابت با دیگر نواحی شهری خود را از سایرین متمایز سازد. به دنبال برجسته کردن شرایط محلی و تفاوت‌هایی هستند که مزایا و هویت فردی شان را ارتقا می‌بخشد و در تلاشند به مزیت رقابتی دست یابند. به عبارتی بایستی شهرها جهانی اندیشیده و محلی عمل کنند و تحمیل خواسته‌های محلی صورت می‌گیرد (Hospers, 2003: 145-146). بنابراین به دلیل تقلای مدیران شهری برای ساختاردهی مجدد شهرها در پاسخ به این تحولات، ایده و تئوری‌های شهر خلاق در اواخر

دهه ۱۹۸۰ میلادی مطرح که در سال‌های بعد این مفهوم توسط نظریه‌پردازان بسیاری در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی در مقیاس منطقه‌ای و فراتر از مقیاس شهری و یا بخش‌هایی از شهر همانند فضاها و مراکز شهری حمایت و تکمیل گردید (نمودار ۱).

نمودار(۱)- پیدایش شهرهای خلاق در عرصه جهانی شدن از طریق خلاقیت



منبع: نگارندگان

۲-۱- هدف پژوهش

هدف این مقاله بررسی آراء نظریه‌پردازان در زمینه شهر خلاق و دسته‌بندی و استخراج نکات مورد توجه هر یک و هم چنین تحلیل و نقد جایگاه مدیریت شهری، برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری در تحقق این اندیشه می‌باشد.

۳-۱- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحلیلی- اسنادی می‌باشد که در ادامه نظریه‌ها و تئوری‌های مرتبط با شهر خلاق، شرایط لازم برای تحقق آن و مفاهیم و موضوعات مورد توجه در این نظریه مورد بررسی

قرار می‌گیرد تا بدین صورت نقش مدیر، برنامه‌ریز و طراح شهر برای محقق ساختن اهداف مذکور نقد و تحلیل شود.

۲- شهر خلاق و نظریه پردازان آن

نخستین بار دیور^۱ (۱۹۶۷) مبحثی با "عنوان شهر تماشایی یا شهر نمایش" مطرح کرد. نظر او ظهور پیش از موعد ایده تلفیق فضای اقتصادی و فرهنگی در مقیاس انسانی به ویژه در موضوعاتی نظیر فضاهای مولد جدید، مجموعه‌های فرهنگی و به نمایش در آوردن محیط‌های بصری می‌باشد که در کلان‌شهرهای اصلی سراسر جهان نیز به چشم می‌خورد (Scott, 2006: 15).

"شهر خلاق" نیز مفهومی است که پس از آن توسط چارلز لندری^۲ در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی مطرح شد. از آن زمان به بعد این موضوع به جنبشی جهانی مبدل شد که بر الگوی جدید برنامه‌ریزی شهری برای شهرها بازتاب یافت. در زمانی که برای نخستین بار ایده شهر خلاق مطرح شد، این ایده تنها موضوع الهام‌بخش به شمار می‌آمد، یعنی صدایی که آشکارا مشوق باز کردن ذهن و تصور افراد بود. وی کتاب شهر خلاق را در سال ۱۹۹۵ به همراه فرانکو بیانچینی^۳ نوشت. با توجه به دیدگاه او فلسفه این ایده آن است که برای یک مکان، پتانسیل خلاقیت‌های زیادی وجود دارد و لازم است شرایطی برای مردم فراهم آید که با در نظر گرفتن فرصت‌ها، برای پرداختن به مشکلات شهری بیندیشند، برنامه‌ریزی کرده و وارد عمل شوند.

تئوری شهر خلاق با مطالعات گسترده افرادی چون مالمبرگ و زندر^۴ (۱۹۹۶)، آندرسون^۵ (۱۹۸۵) و جین جیکیز^۶ (۱۹۹۱) نیز حمایت شد. این تئوری ارتباط بین خلاقیت فرهنگی و نوآوری تکنیکی یا توسعه با تکنولوژی پیشرفته را پیشنهاد می‌کند. پارادایمی جدید ارائه می‌کند

۱- De Boer

۲-Charles Landry

۳-Franco Bianchini

۴-Malmberg and Zander

۵-Anderson

۶-Jane Jacobs

که به پدیده‌های اقتصادی از منظر اجتماعی و فرهنگی نگریسته شود (Songmei, 2005: 19-20).

پیتر هال^۱ (۱۹۹۸، ۲۰۰۰) در کتاب "شهرها در تمدن، فرهنگ، خلاقیت و نظم شهری" و هم چنین کتاب "شهرهای خلاق و توسعه اقتصادی" شهرهای خلاق را به عنوان جوامعی توصیف می‌کند که خود را به زحمت انداخته و در مسیر از دست دادن اطمینان گذشته خود بوده، ولی عمیقاً به آن چه که قرار است برایشان اتفاق بیفتد، توجه می‌کنند. از دیدگاه وی شهرهای خلاق با پیش زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مردم خلاق را برای تعامل و تغییر اطلاعات غیررسمی به وجود می‌آورند که خود منجر به بروز ایده‌های نو و تفکر خلاق می‌شود (Songmei, 2005).

19)

لندری (۲۰۰۰) در کتاب "شهر خلاق، راهکارهایی برای خلاقان شهری در شهرها" بیان می‌کند که نظریه شهر خلاق به سادگی، راه جدید انجام کارها است، که مرتبط با مدیران شهری است و دیدگاه‌های بروکراسی و خارج از رده برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی، موانع موجود خلاقیت و نوآوری هستند. اکثرشان مرتبط با مردمی است که مشوق خلاقیت هستند و تشخیص می‌دهند که مقدس دانستن فرهنگ محلی یک مکان، کلید ایجاد تمایزات فرهنگی در هماهنگی توده‌های فرهنگی است. شهر خلاق، شهری است که این حوادث و پدیده‌ها در آن اتفاق می‌افتد. از دیدگاه وی شهر خلاق، به زیرساخت‌هایی فراتر از زیرساخت‌های شهری مانند ساختمان، خیابان یا فاضلاب شهری نیاز دارد. زیرساخت خلاق، آمیزه‌ای از زیرساخت‌های سخت و نرم است. یکی از ارکان زیرساخت‌های نرم، زیرساخت‌های فکری است: رویکرد شهر به فرصت‌ها و مسأله‌ها و نیز فضا و ابزار توانمندسازی که آن‌ها را از طریق برخی مشوق‌ها و ساختارهای تنظیمی تقویت می‌کند. زیرساخت نرم همچنین نیروی کار بسیار ماهر و انعطاف‌پذیر، اندیشمندان، پدیدآورندگان و مجریان پویا را شامل می‌شود. زیرساخت نرم باید بتواند برای افراد مستقل فضای ظهور و بروز فراهم کند، ارتباطات درونی و بیرونی عمیقی ایجاد کند، و روح فرهنگ کارآفرینی را در کالبد جامعه بدمد (Medeiros, 2005:15-16).

هاسپرز^۱ (۲۰۰۳) نیز مقاله‌ای را تحت عنوان "شهرهای خلاق، مکان‌های پرورش یافته در اقتصاد دانش" به چاپ رسانید. ریچارد فلوریدا^۲ موضوع طبقات خلاق در شهرهای خلاق را مطرح می‌کند و از صاحب‌نظران حوزه‌های اقتصاد شهری می‌باشد. وی در چندین کتاب خود، از جمله کتاب "شکل‌گیری طبقه خلاق" در سال ۲۰۰۲ بیان کرد که مردم در طبقه جدید محرکان اقتصاد هستند و طبقه خلاق به عنوان فردی است که اندازه‌ای از خلاقیت را در کسب و کار روزانه‌اش به کارگیرد (Hospers, 2005: 8). طبقه خلاق گروهی از کارکنان علمی و هنری حرفه‌ای هستند که حضورشان به ویژه در مناطق شهری موجب پویایی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود. به طور مشخص‌تر، طبقه خلاق مشتمل بر تمامی افرادی است که در زمینه‌های علوم و مهندسی، معماری و طراحی، آموزش، انواع هنرها، موسیقی و... کار می‌کنند و کارکرد اقتصادی‌شان خلق ایده‌های جدید، فناوری‌های جدید و محتوای جدید است. در رویکرد فلوریدا، طبقه خلاق هم چنین شامل یک گروه بزرگ‌تر از حرفه‌ای‌های خلاق در زمینه کسب و کار، امور مالی و مشاوران حقوقی (مانند وکلای دادگستری) نیز می‌شود. این افراد خواه هنرمند باشند یا مهندس، موسیقی‌دان باشند یا دانشمندان رایانه، نویسنده باشند یا کارآفرین، یک ویژگی خلاق مشترک دارند که به خلاقیت، تفرّد، تفاوت و شایستگی ارج می‌نهند. در یک کلام اینان افرادی هستند که از طریق خلاقیت، تولید ارزش افزوده اقتصادی می‌کنند (کیقبادی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۵).

فلوریدا نشان داد که اجبار طبقه خلاق این است که نگرش و عقیده‌های مشابه در ارتباط با کار، هویت، ارزش، رفتار و کیفیت زندگی به اشتراک بگذارند. به عنوان یک گروه، آنان برای تنوع و به خصوص فردیت ارزش قائل می‌شوند. فلوریدا مسئله‌ای را که بر تأثیر تکنولوژی در کاهش اهمیت جغرافیا اشاره دارد، نمی‌پذیرد و بیان می‌کند که مکان بسیار مهم است و صنایع خلاق در مکان‌هایی یافت می‌شوند که گروه‌هایی از افراد خلاق در آنجا زندگی کنند (Medeiros, 2005: 18).

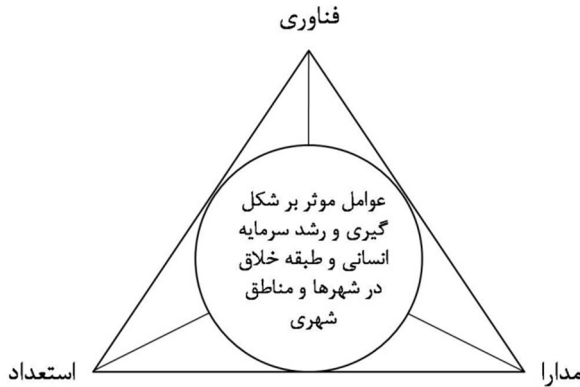
وی در اثر جدیدتر و مهم خود، با عنوان "شهرها و طبقه خلاق" ۲۰۰۵ به معرفی و ظهور طبقه

۱- Hospers

۲- Richard Florida

خلاق شهری و جایگاه آن به عنوان اصلی ترین مزیت رقابتی مناطق در شهرهای آمریکا و در راستای اقتصاد شهری و دانایی پرداخته است. توسعه اقتصادی مناطق را منوط به حضور سرمایه‌های انسانی و به ویژه آن نوع سرمایه انسانی که خود آن را سرمایه خلاق (طبقه خلاق) می‌نامد و به شرایط و بسترهای لازم و ضروری شهرها و مناطق، برای جذب و حفظ این طبقه اشاره کرده است. از جمله نتایج تجربی که فلوریدا در پژوهش خود بدان دست یافته در نمودار ۲ مشخص شده است و بیان می‌کند که شکل‌گیری و رشد سرمایه انسانی و طبقه خلاق در شهرها و مناطق، بستگی عمده به سه متغیر فناوری^۱، مدارا^۲ و استعداد^۳ دارد (مؤذنی، ۱۳۸۹: ۱۱).

نمودار (۲) - عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و رشد سرمایه انسانی و طبقه خلاق در شهرها و مناطق شهری



منبع: (نگارندگان، اقتباس از فلوریدا، ۲۰۰۵)

مونتگومری (۲۰۰۴) با انتقاد از اصول نظری و کار فلوریدا، به تشریح نقش مکان در توسعه محیط خلاق با استفاده از مدل مکان کانتر می‌پردازد و بیان می‌کند که اکثر مواقع کل یک شهر نمی‌تواند یک محیط خلاق باشد، بلکه یک بخش یا بیش از یک بخش آن محیط خلاق

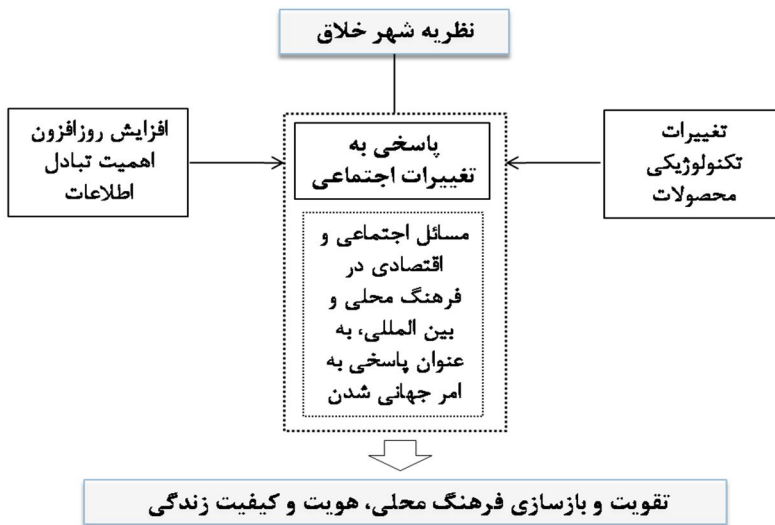
۱- Technology

۲- Tolerance

۳- Talent

می‌باشند که امروزه به آن‌ها مراکز فرهنگی^۱ و خوشه‌های اقتصاد خلاق^۲ می‌گویند (صمدی، ۱۳۹۱: ۶۷). مدریوس^۳ (۲۰۰۵) بیان می‌کند که دیدگاه و نظریه شهر خلاق پاسخی است به تغییرات اجتماعی که خود وابسته به تغییرات تکنولوژیکی محصولات و افزایش روزافزون اهمیت تبادل اطلاعات در دنیای پست مدرن است. در این شهرها تلاش بر آن است که مسائل اجتماعی و اقتصادی در فرهنگ محلی و بین‌المللی، به عنوان پاسخی به امر جهانی شدن، سرمایه‌گذاری کنند، ضمن اینکه هر دو موضوع توسعه اقتصادی و ارتقای کیفیت زندگی، امری اساسی برای ساخت شهر خلاق می‌باشند. به عبارت دیگر، نظریه شهر خلاق، توان بالقوه‌ای را برای تقویت و بازسازی فرهنگ محلی، هویت و کیفیت زندگی ارائه می‌کند (نمودار ۳). از دیدگاه وی هنوز تعریف مشخصی از شهر خلاق وجود ندارد.

نمودار (۳) - تلاش برای دستیابی به شهر خلاق



(منبع: نگارندگان)

۱-Cultural Quarters

۲-Creative Industry Clusters

۳- Nelson Medeiros

در سال ۲۰۰۷ نیز آلن اسکات با استفاده از ادبیاتی که ریچارد فلوریدا مطرح کرده بود، مباحثی را در ارتباط با شهرها و مناطق خلاق مطرح نمود (رفعیان، ۱۳۸۹: ۱۳). در نگاه کلی تر می توان بیان نمود شهرها ظرف های خلاقیت هستند و همیشه چرخ های حرکت، تمرکز، هدایت انرژی خلاق بشر بوده اند. بیشتر ادبیاتی که در زمینه های شهرهای خلاق و نوآور به نگارش در آمده اند، تنها به نقش خلاقیت در رشد و شکل دهی به شهر پرداخته اند، بلکه بیشتر به این تأکید دارند که با حذف محدودیت ها و موانع (فیزیکی، اجتماعی، فرهنگی، و...) از شهرها، خلاقیت تبدیل به نیروی محرکه رشد و توسعه اقتصادی شهرها، مناطق و ملت ها خواهد شد.

ربانی خوراسگانی (۱۳۹۰) مفهوم شهر خلاق به صورت متنوع و وسیع به کار برده می شود:

- شهرهای خلاق شهرهایی هستند که قادرند راه حل های جدیدی برای مشکلات روزمره شان ارائه دهند.
- شهرهای خلاق متکی بر تولیدات فرهنگی هستند؛ یعنی تولید کالاها و خدمات فرهنگی با فعالیت هایی در ارتباط قرار می گیرند که مرکز خلاقیت به حساب می آیند.
- شهرهایی که بر ظرفیت و توانایی شهر بر جذب سرمایه انسانی خلاق تأکید می کند (ربانی خوراسگانی، ۱۳۹۰: ۱۶۱-۱۶۰).

با توجه به جامع بودن مفاهیم و نظریات مربوط به شهر خلاق و فراگیر بودن این موضوع در حوزه های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... اندیشمندان و محققان بسیاری به ویژه در دهه اخیر در هر حوزه از این نظریه به صورت تخصصی تر به پژوهش پرداخته اند و جدول (۱) مهم ترین و اصلی ترین نظریه پردازان در زمینه شهر خلاق و نکات مورد توجه آنان را نشان می دهد.

جدول (۱) - نظریه پردازان شهر خلاق

ردیف	نظریه پردازان	سال	نکات مورد توجه آراء اندیشمندان
۱	جین جیکبز	۱۹۶۱- ۲۰۰۵	تنوع ساکنین محلی، محرک تعاملات بیشتر است که ایده‌های نو را پدید می‌آورد (تنوع کالبدی، کاربری و فعالیت‌ها) (Jacobs, 1961).
۲	دبور	۱۹۶۷	تلفیق فضای اقتصادی و فرهنگی در مقیاس انسانی به ویژه در موضوعاتی نظیر فضاهای مولد جدید، مجموعه‌های فرهنگی و به نمایش در آوردن محیط‌های بصری (De Boer, 1967).
۳	فرانکو بیانچی	۱۹۹۵	برنامه‌ریزی سنتی (بر مبنای راه حل‌های کالبدی) به ارتقای محیط‌های شهری و تقویت جو خلاق و زیرساخت‌های نرم به وسیله همکاری‌های جدید تبدیل می‌شود (Bianchini, 1995).
۴	پیتراهال	۱۹۹۸- ۲۰۰۰	شهرهای خلاق با پیش زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مردم خلاق را برای تعامل و تغییر اطلاعات غیررسمی به وجود می‌آورند که خود منجر به بروز ایده‌های نو و تفکر خلاق می‌شود (Hall, 2000).
۵	چارلز لندری	۱۹۸۰- ۲۰۰۶	برای یک مکان، پتانسیل خلاقیت‌های زیادی وجود دارد و لازم است شرایطی برای مردم فراهم آید که با در نظر گرفتن فرصت‌ها، برای پرداختن به مشکلات شهری بیندیشند، برنامه‌ریزی کرده و وارد عمل شوند (Landry, 1980). مقدس دانستن فرهنگ محلی یک مکان، کلید ایجاد تمایزات فرهنگی در هماهنگی توده‌های فرهنگی است (Landry, 2000). بررسی مفهوم شهر خلاق از چهار منظر زیرساخت‌های هنری و فرهنگی، اقتصاد خلاق، حضور طبقه خلاق و ترویج فرهنگ خلاقیت (Landry, 2006).
۶	ریچارد فلوریدا	۲۰۰۲- ۲۰۰۵	طبقات خلاق محرکان اقتصاد هستند و حضورشان به ویژه در مناطق شهری موجب پویایی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود (Florida, 2002).
۷	گرت جان هاسپرز	۲۰۰۳	شهرهای خلاق آن دسته از نواحی شهری رقابتی هستند که تمرکز، تنوع، تحرک (ناپایداری) و شهرت و اعتبار واقعی را با هم ترکیب می‌کنند (Hospers, 2003).
۸	جان مونتگومری	۲۰۰۴	توصیف منطقه فرهنگی موفق با رویکردی مدیریتی، مدلی سازمانی و ویژگی عملکردی فضا (Montgomery, 2004).
۹	نلسون مدریوس	۲۰۰۵	در شهرهای خلاق تمرکز بر مسائل اجتماعی و اقتصادی در فرهنگ محلی و بین‌المللی، به عنوان پاسخی به امر جهانی شدن می‌باشد و بر دو موضوع توسعه اقتصادی و ارتقای کیفیت زندگی تأکید می‌کند (Medeiros, 2005).

(منبع: نگارندگان)

۳- بستر تحقق شهر خلاق

تحقق شهر خلاق نیازمند ایجاد شرایطی در شهر می‌باشد که از نقطه نظر هاسپرز (۲۰۰۳) و هم چنین لندری (۲۰۰۰) تا زمانی که این شرایط در شهری فراهم نباشد، امکان تبدیل شدن به شهر خلاق میسر نمی‌شود که این شرایط در نمودار ۴ نشان داده می‌شود.

نمودار(۴)- شرایط لازم برای پیدایش شهرهای خلاق

هاسپرز(۲۰۰۳)	لندری(۲۰۰۰)
تمرکز	خصوصیات شخصی
تنوع	اراده و رهبری
پویایی و تحرک	تنوع انسانی و دسترسی به استعداد های گوناگون
	فرهنگ سازمان یافته
	هویت محلی
	فضاها و تسهیلات شهری
	شبکه های پویا

منبع: (Hospers,2003 & Landry, 2000)

با توجه به اهمیت فضاها و تسهیلات شهری می توان چنین بیان نمود که شرایط لازم برای پیدایش شهر خلاق بایستی ترکیبی از شرایط مذکور و خواسته ها و نیازهای طراحی شهری باشد. افراد مستعد و نوآور رکن اصلی شهرهای خلاق بوده و این توانمندی را دارند که روح خلاقیت را به شهرهای خود بدمند. ولی این توانمندی زمانی از قوه به فعل می رسد که به خوبی مدیریت گردد. در گزارشی که از آژانس توسعه لندن(۲۰۰۶) در ارتباط با استراتژی های فضاها خلاق در شهرها ارائه شد، از مردم، بنگاه های اقتصادی، فضاها، پیوندها و چشم انداز، پنج رکن اصلی شهرهای خلاق نام برده شد که برای ایجاد و توسعه شهرهای خلاق باید راهبردهایی(جدول ۲) را به اجرا درآورد که ضمن پشتیبانی از ارکان مذکور، شهر را به سوی یک آینده خلاق سوق دهند.

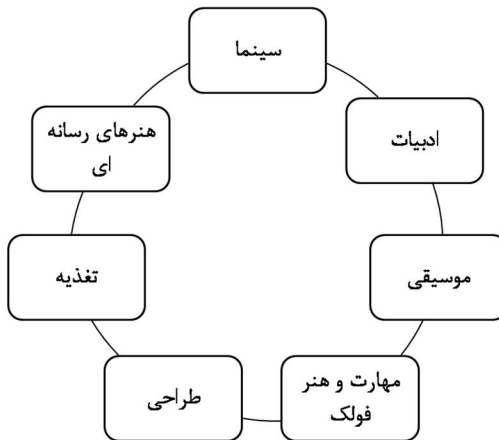
جدول (۲) - ارکان و راهبردهای شهر خلاق

راهبردها	ارکان شهر خلاق
توسعه ظرفیت خلاقیت در کلیه سطوح آموزش عمومی سرمایه‌گذاری در برنامه ریزی اجتماعی خلاقیت پشتیبانی از برنامه‌های خلاق در آموزش عالی برنامه‌ریزی فعالیت‌ها و رخداد‌های فرهنگی	مردم
توسعه مراکز رشد (انکوباتورها) حمایت از خوشه‌ها یا بخش‌های خلاق حمایت از نمایش محصولات خلاق توسعه ظرفیت خلاقیت در سایر صنایع حمایت تخصصی از کسب و کارهای خلاق ایجاد مراکز همگرایی افراد خلاق	بنگاه‌های اقتصادی
ایجاد فضاهای با ثبات و مطمئن برای هنرمندان ایجاد و بهبود فضاهای خلاقانه شهری	فضاهای شهری
ایجاد یک بدنه رهبری برای شهر خلاق تقویت واسطه‌ای ارتباطی برای پیوند فعالیت‌های خلاقانه فعلی شهر ایجاد مکانیسم‌های تأمین منابع مالی برای پروژه‌های خلاقانه	پیوندها و ارتباطات
توسعه حمایت چند سطحی سیاسی برای فعالیت‌های خلاقانه بازاریابی، ترفیعات و پیام رسانی	چشم‌انداز و آوازه شهر

منبع: (London Development Strategy, 2006)

سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی سازمان ملل متحد در دهه اخیر نیز جهت رونق دادن به فعالیت‌های فرهنگی و ایجاد رقابت سازنده بیانیه‌ای منتشر کرد، که از ایجاد شبکه‌ای از شهرهای خلاق فرهنگی حکایت داشت. ایجاد شبکه مذکور با انتخاب شهر ادینبورگ به عنوان اولین پایتخت ادبی جهان در سال ۲۰۰۴ آغاز شد و هم‌اکنون شهرهای بسیاری در هفت زمینه (نمودار ۵) به این شبکه پیوسته‌اند. میراث فرهنگی گذشته، رویدادها و حوادث متنوع و پر جنب و جوش فرهنگی معاصر، چشم‌انداز و آرمان‌های توسعه فرهنگی آینده از جمله معیارهای انتخاب شهرهای خلاق است (www.unesco.org).

نمودار(۵)- شبکه شهرهای خلاق یونسکو



منبع: (UNESCO, 2004)

۴- سطح‌بندی بروز خلاقیت در مناطق شهری، شهر و فضاها شهری

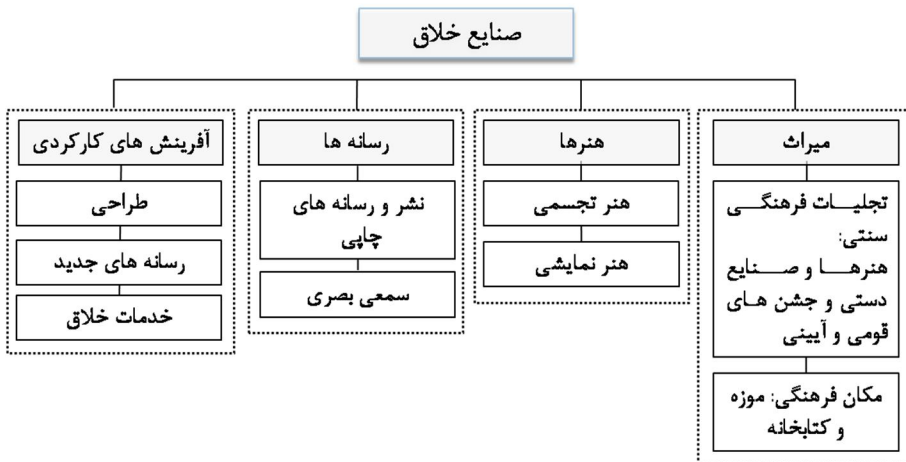
شهرها محل پیوند نیروهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ... هستند و مفهوم شهر خلاق توسط نظریه پردازان بسیاری در این ابعاد مختلف ارائه شده است. این مفاهیم هم چنین در مقیاس گوناگون منطقه و فراتر از شهرها و یا بخش‌هایی از شهر همانند فضاها و مراکز شهری حمایت و تکمیل شده است. بنابراین می‌توان ادبیات و مفاهیم مرتبط را به سه دسته کلان، میانی و خرد تقسیم کنیم.

در **سطح کلان**، هدف برجسته نمودن مناطق شهری و بروز خلاقیت در حل مسائل مربوط به مقیاسی فراتر از شهرها می‌باشد. به عنوان مثال برنامه‌های فرهنگی و سیاست‌های کلان تدوین شده از سوی مدیریت شهری در این حوزه قرار می‌گیرد. مهمترین موضوع دیگر بررسی این نظریه از منظر اقتصاد خلاق و زیرساخت‌های فرهنگی و هنری و صنایع خلاق می‌باشد.

کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل که به اختصار آنکتاد^۱ نامیده می‌شود در سال ۱۹۹۴ میلادی با هدف یکپارچگی کشورهای در حال توسعه با اقتصاد جهانی تأسیس شد. یازدهمین کنفرانس آنکتاد که در سال ۲۰۰۴ در سطح وزیرانی از کشورهای عضو بر پا شد، نقطه عطف

بسیار مهمی در پذیرش مفهوم "صنایع خلاق" بود. طبقه‌بندی آنکناد از صنایع خلاق، گروه بزرگی را در بر می‌گیرد: میراث فرهنگی، هنرها، رسانه‌ها و آفرینش‌های کارکردی^۱. این گروه‌ها همان طور که در نمودار شماره ۶ مشاهده می‌شود خود به ۹ زیر گروه تقسیم می‌شوند.

نمودار(۶)- صنایع خلاق



منبع: (UNCTAD, 2004)

در شهرهای خلاق، بیان و اظهار یک چشم‌انداز قوی و خلاقانه باعث رشد استعدادها خواهد شد و پشتیبانی از خلاقیت را به صورت گسترده‌ای در شهر هدایت کرده و نظم می‌بخشد. این چشم‌انداز داستان شهر را در سراسر جهان بازگو می‌کند، آوازه آن را در جهان خلق می‌کند و به پیشبرد گردشگردهی، صادرات و سرمایه‌گذاری در شهر می‌انجامد که این امر نیز نیازمند راهبردهای مدیریتی در سطح کلان می‌باشد (محمدی و مجیدفر، ۱۳۹۰: ۱۸).

در **سطح میانی** به موضوعات مرتبط با حل مسائل شهری از طریق خلاقیت و ارتقای کیفیت زندگی شهری تأکید می‌شود از جمله زیرساخت‌های خلاق، حمل و نقل شهری مطلوب،

برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های فرهنگی و رخداد‌های خلاق در شهر و ... بردفورد (۲۰۰۴)، نقل شده در مدریوس، (۲۰۰۵: ۱۵) پیشنهاد می‌کند که "شهرهای خلاق با مردمی پویا، با تجربه و خلاقیت و نوآوری، جایی که ایده‌ها تقویت شده و مردم در تمام بخش‌های زندگی با هم تلاش می‌کنند تا جامعه خودشان را به مکان‌هایی بهتر برای زندگی، کار و بازی تبدیل کنند".

در **سطح خرد** که هدف اصلی ایجاد فضاهای خلاق شهری جهت بروز ایده‌های خلاقانه و تعاملات انسانی می‌باشد، افراد خلاق نیاز به فضایی برای زندگی، کار، الهام‌بخشی و نمایش کارهای خود دارند. فضاهای یک شهر اعم از طبیعی و مصنوعی، باعث برانگیختگی، انطباق و بیان خلاقیت ساکنین خود می‌شوند. لذا مطلوبیت و کیفیت فضاهای شهری اهمیت پیدا می‌کند که منجر به جذب طبقات خلاق می‌شود. در ارتباط با معیارهای فضای خلاق موفق و عوامل موفقیت در فضای خلاق، فلوریدا و مونتگومری نیازهای فضا برای صنایع خلاق / فرهنگی را تعریف کرده اند که در جدول (۳) نشان داده شده است (Kurtarir, 2005, 2).

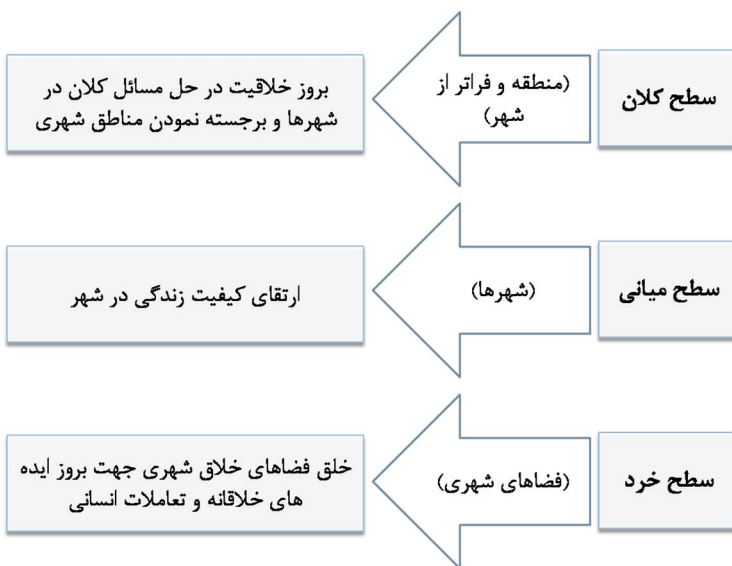
جدول (۳) - معیارهای فضای خلاق موفق از دیدگاه مونتگومری و فلوریدا

فلوریدا	مونتگومری
فرصت‌های شغلی	تنوع محل‌های فرهنگی
مرزهای ورودی کم/ باز بودن فضا به روی تازه واردین	رویدادهای انیمیشن فرهنگی و فستیوال‌ها
تنوع بیشتر	فضا برای هنرمندان
سطوح بالاتری از کیفیت مکانی	ایجاد اقتصاد شرکت‌های کوچک هنری و کسب و کارهای خلاق
فعالیت‌های شبانه	فراهم آوردن فضای کاری مدیریت شده
تفریحات فعال مشارکتی	حضور مؤسسات و شرکت‌های توسعه هنری
دارا بودن زمان‌های متراکم از حضور مردم	آموزش هنرها و رسانه
تفرج فعال در فضای باز	برنامه‌های هنر عمومی
محیطی باز برای بروز تفاوت‌ها	ابتکاراتی برای توسعه هنرهای اجتماع محلی
اصالت و منحصر به فرد بودن	بازارهای ناحیه‌ای و ایجاد مخاطب
ساختمان‌های تاریخی	فعالیت‌های روز و شب
محله‌های ریشه‌دار و تعریف شده	برنامه‌های فرهنگی پیش رونده
منظری نظری از موزیک یا فعالیت‌های فرهنگی خاص	

منبع: (Kurtarir, 2005)

نمودار ۷ جمع‌بندی موارد فوق را نشان می‌دهد که ادبیات مربوط به شهر خلاق در سه سطح کلان (منطقه و فراتر از شهر)، سطح میانی (شهرها) و سطح خرد (فضاهای شهری) قابل تقسیم است. چنانچه مشخص می‌شود فعالیت‌ها و تصمیمات طراح شهر در سطح خرد صورت می‌گیرد و طراحی فضاهای شهری و خلق فضاهای خلاق شهری جهت بروز ایده‌های خلاقانه و تعاملات انسانی نیازمند طراحی شهری می‌باشد.

نمودار (۷) - تقسیم‌بندی مفاهیم مربوط به شهر خلاق



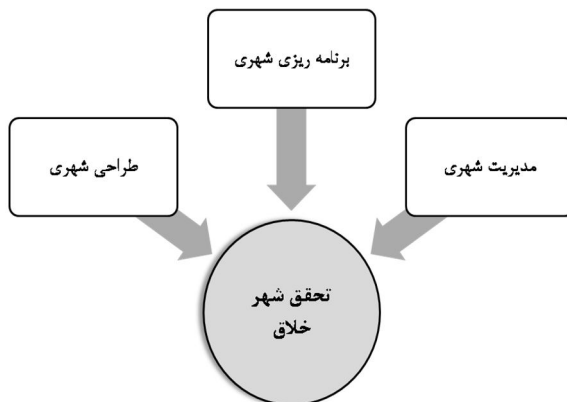
(منبع: نگارندگان)

۵- نتیجه‌گیری

شاید بتوان اینگونه استنباط نمود که نظریه "شهر خلاق" ترکیبی از آرمان‌ها و اندیشه‌هایی است که پیش‌تر در نظریه‌های مختلف دنبال شده است، چرا که هدف اصلی کلیه اندیشمندان و نظریه‌پردازان "ارتقای کیفیت زندگی" و "حل مسائل و مشکلات شهری از طریق خلاقیت" می‌باشد که تنها تأکید بیشتری بر "فرهنگ" شده است. در راستای تحقق این امر مهم نیز لازم است که سلسله مراتبی از راهبردها، از مقیاس کلان تا مقیاس خرد محقق شود، بنابراین مدیر،

برنامه ریز و طراح شهر به عنوان سه رکن اصلی در شهرها نقش به سزایی در تحقق اهداف و راهبردهای شهر خلاق دارند (نمودار ۸).

نمودار (۸) - تأثیر ارکان اجرایی شهر در تحقق شهر خلاق

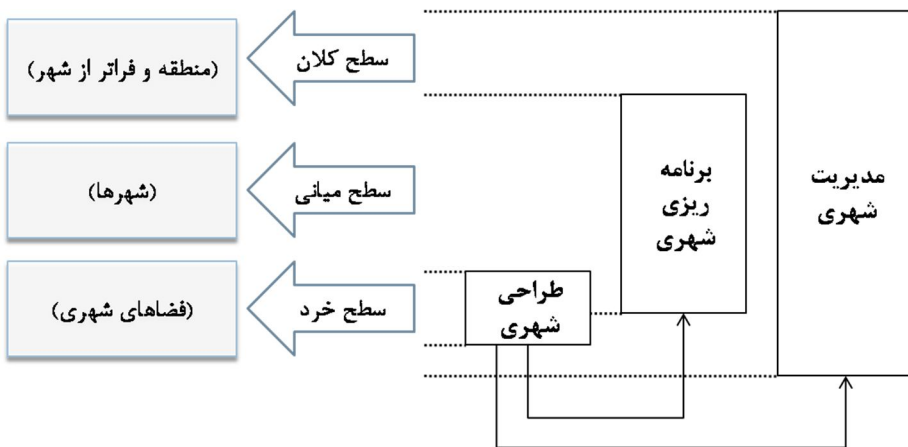


(منبع: نگارندگان)

در نظریه شهر خلاق، یکی از مهم ترین راهبردها بهره گرفتن از مزیت رقابتی جهت تبدیل شدن به شهری برجسته در عرصه رقابت جهانی می باشد، که خود مستلزم آن است که هم در مقیاس جهانی و هم در مقیاس محلی اقداماتی صورت گیرد. بنابراین می توان مفهوم شهر خلاق در سه حوزه کلان، میانی و خرد تحلیل کرد. به دلیل گسترده بودن موضوع، مهم ترین نقش را مدیران شهری ایفا می کنند. می توان اینگونه بیان نمود، مدیریت شهری در بروز خلاقیت در هر سه سطح (مناطق شهری، شهرها و فضاهای شهری) مؤثرترین نقش را داراست. در سطح میانی نیز برنامه ریز شهر نقش پر رنگ تری را ایفا می نماید. کلیه راهبردهایی ارائه شده در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... در حیطه فعالیت های یک برنامه ریز شهر می باشد و نهایتاً در سطح خرد به منظور طراحی های محلی و شکل گیری فضاهای موفق شهری، طراح شهر نقش به سزایی دارد، اما این امر زمانی محقق می شود که سیاست ها و راهبردهای مناسب توسط مدیران شهر و برنامه ریزان شهری اندیشیده شده باشد. به عبارتی طراحی شهری، برنامه ریزی و مدیریت شهری هر سه به ایفای نقش می پردازند. البته این امر بدان معنا نمی باشد که نقش طراحی شهری در خلق

فضاهای خلاق شهری در انتها و پس از تکمیل اقدامات مدیریتی و برنامه‌ریزی تعریف خواهد شد، بلکه تصمیمات هر سه بخش به طور همزمان و به صورت رفت و برگشتی صورت خواهد گرفت و درحوزه خرد بازخوردهای طراحی اهمیت می‌یابد(نمودار ۹).

نمودار(۹)- نقش مدیریت، برنامه‌ریزی و طراحی شهری در تحقق شهر خلاق



(منبع: نگارندگان)

منابع

- ربانی خوراسگانی، علی؛ ربانی، رسول؛ ادیبی سده، مهدی؛ موذنی، احمد(۱۳۹۰)، بررسی نقش تنوع اجتماعی در ایجاد شهرهای خلاق و نوآور مورد مطالعه: شهر اصفهان، **جغرافیا و توسعه**، ۲۱: ۱۸۰-۱۵۹.
- رفعیان، محسن(۱۳۸۹)، درآمدی بر مناطق شهرهای خلاق، **شهرداری‌ها**، ۱۰۰: ۱۵-۱۲.
- زیاری، کرامت الله (۱۳۸۸)، **مکتب‌ها، نظریه‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی شهری**، انتشارات دانشگاه تهران.
- صمدی، دانیال(۱۳۹۱)، **تدوین راهنمای طراحی شهری مکان محور با رویکرد ایجاد مراکز فرهنگی خلاق (نمونه موردی: بخشی از محدوده یادمانی- فرهنگی ارگ مشهد)**، استاد راهنما: پورجعفر، محمدرضا، پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

- قاسمی، شقایق (۱۳۹۰)، *معاصر سازی فضای شهری در عصر جهانی شدن با تکیه بر چندگانگی فرهنگی (مورد پژوهی: محدوده ارگ مشهد)*، استاد راهنما: قهرمانی، هومن، پایان نامه کارشناسی مهندسی شهر سازی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- کیقبادی، مرضیه؛ فخرایی، مرضیه؛ علوی، سارا؛ زواری، عبدالمجید (۱۳۸۷)، *شناخت صنعت فرهنگی (از صنایع فرهنگی تا صنایع خلاق، مرور ادبیات موضوع، همراه با نگاهی به وضعیت صنایع فرهنگی کشورهای پنج قاره جهان)*، اندیشکده صنعت و فناوری (اصف)، انتشارات اداره کل تبلیغات اسلامی قم.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۶)، جهانی شدن فرهنگ، هویت، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- محمدی، کمال؛ مجیدفر، فرزانه (۱۳۸۹)، دوران شهرهای خلاق، *شهرداری ها*، ۱۰۰: ۲۱-۱۶.
- مؤذنی، احمد (۱۳۸۹)، *بررسی بسترهای اجتماعی و فرهنگی شهرهای خلاق و نوآور (مورد مطالعه: استان های ایران)*، استاد راهنما: ربانی، علی، ربانی، رسول، پایان نامه دکترای جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان.
- Florida, R. (2005), *Cities and Creative Class*, UAS: Routledge.
- Hall, P. (1998), *Cities in Civilization: Culture, Innovation and Urban Order*, London: Weidenfeld and Nicolson.
- Hall, P. (2000), Creative Cities and Economic Development, *Urban Studies*, 37(4): 639-69.
- Hospers, G.J. (2003), Creative Cities, Breeding Places in the Knowledge Economy, *Knowledge, Technology & Policy*, 16(3): 143-62.
- Hospers, G.J. and Dalm .R.V. (2005), How to Create a Creative City? The Viewpoints of Richard Florida and Jane Jacobs, *Foresight*, 7(4): 8-12.
- Jacobs, J. (1961), *The Death and Life of Great American Cities*, New York: Random House.
- Kurtarir, E. and Cengiz, H.(2005), *What are the Dynamics of Creative Economy in Istanbul?* 41st Iso CaRP International Planning Congress.
- Landry, C. and Bianchini, F. (1995). *The creative city*. London: Demos.
- Landry, C.H. (2000), *The Creative City: A Toolkit For Urban Innovators*, London: Earthscan.
- London Development Agency(2006), *Strategies for Creative Spaces*, London: case study.
- Medeiros, N.(2005), *Planning for Creativity: The Case Study of Winnipeg's Exchange District*, Master degree project. Faculty of Environmental Design, University of Calgary.
- Scott, A.J. (2006), Creative Cities: Conceptual Issues and Policy Questions, *Urban Affairs*, 28(1): 1-17.

- Songmei, L. (2005), *High Tech Spatial Concentration Human Capital, Agglomeration Economics, Location Teories and Creative Cities*, degree of Doctor of philosophy, Department of urban and public affairs. College of business and public administration. University of Louisville.
- UNCTAD(United Nations Conference on Trade and Development). (2004). *Creative Industries and Development*. Sao Paulo. Retrieved from: http://www.Unctad.Org/en/docs/tdxibpd13_en.pdf.
- <http://www.unesco.org>